

## بوعلی سینا

« طب معدوم بود جالینوس  
موجودش ساخت برکنده بود  
و رازی فراهمش آورد . ناقص  
بود و پورسینا تکمیلش کرد »

### طب ابوعلی

آنچه که بیشتر شیخ را در اروپا معروف ساخته و مدت ۷ قرن - تا یک قرن  
پیش - پیشرو مجامع علمی بوده - ارزش پزشکی ابن سیناست و هنوز هم هزاران  
عکس ابن سینا بطوری که در شماره قبل اشاره شد در دیوار مجامع پزشکی اروپا  
را تزیین نموده است .

همانطور که در شرح حال شیخ در شماره گذشته بیان شد در ۱۶ سالگی بطب  
پرداخت و استاد او بقولی که بیشتر تأیید شده ابوسهل مسیحی بوده است و ۱۸ سال  
داشت که طبیب رسمی دربار گردید .

مقام پزشکی ابن سینا را کمتر می توان توصیف نمود همانقدر کافی است که  
منز شیال پرور بشر - او را از مرحله یک طبیب ساده بالا برده و عنوان سرجا و  
را مطرح میکند و باو نسبت میدهد بطوری که کتاب زیرترکی در این باره جمع آوری  
شده است .

Rev de l, hist des Religions : R, Basset .

ما برای نشان دادن اهمیت مقام شامخ شیخ کافی میدانیم که شرحی اگرچه  
' مختصاریم - از نظریات طبی او تحلیلی بنماییم -

برای روشن شدن ارزش بیشتر عقاید طبی او لازم است که شرحی  
از اصول طب قدیم بیان نموده و سپس با آنچه مورد نظر است

طب قدیم

گاه حملات شدیدی که بیشتر بمغز و گاه تشنگی نزدیک تر است نسبت به طب قدیم دیده میشود - خصوصاً در میان آنها که خود باختگی شدید و زنده ای نسبت بنسبتن اروپائی دارند .

و این امر بدون شك موافق ضعف نفس و عدم اعتماد نیروهای ارزنده اجتماعی خود می باشد اگر امروز غرب پرچمدار علم و دانش گردیده دلیلی ندارد که گذشته پرافتخار شرق خصوص پس از نهضت پرافتخار اسلام که درخشان ترین دوره های تاریخ میباشد - فراموش شود و بسیار بی جا خواهد بود که ما بدون تجزیه و تحلیل یا حداقل قضاوت منطقی در این باره نظر بدیم بر همین زمینه است که برخلاف متعصبین و خودباختگان - طب قدیم علمی منبسط و دقیق و وظیفه طبیب در گذشته مشکل تر و سنگین تر بوده است .

اگر امروز با وسائل بی شماری که برای تشخیص و معالجه بهتر کار پزشک تسهیل یافته و حتی با طبقه بندی پزشکی کارها و وظائف سبکتر شده است پزشک قدیم مجبور بوده با عدم وسائل تنها از نبوغ و هوشیاری ذاتی خود بکنک مطالبات مداوم و عمیق و تجربیات بی شمار و تحقیقات فراوان از وضع کار شغل - غذا - استراحت مریض و تطبیق حالات او با آنها که در دفتر دانش اوست مرض را تشخیص داده و معالجه بپردازد - بایک مقایسه ساده بظلمت مقام پزشک و سنگینی وظیفه او متوجه خواهید گردید - خصوص وقتی که در این زمینه در بین عقاید آنان نظریاتی می یابیم که از نظر قطعیت و علمیت هنوز هم مورد قبول بوده و دانش پزشکی مسا داجع با آنها همان است .

مثلاً چقدر جای اعجاب است که وقتی ما می بینیم که زگریای رازی سل و طرق معالجه و آنچه را که امروز باید دانست و حتی معالجه با نور خورشید را شرح میدهد و تنها علم جدید پزشکی میکروب را بآن اضافه نموده است - این امر و سایر امور مشابه بعلت غیر قابل انکار قوی بودن قوای عقلانی پزشک قدیم میباشد .

بعضی سؤال میکنند که چرا اطباء قدیم حتماً حکیم هم بوده اند ؟ و بطیب غیر حکیم چندان اطمینانی نبوده است ؟ این کاملاً صحیح و منطقی است اولاً فلسفه و بطور کلی مباحث نظری قوای فکری ما را بسرعت ترقی داده و قدرت تفکر بیشتر میگردد تا آنجا مباحث تئوریک بیشتر با استدلال سروکار دارد در طب قدیم هم تشخیص امراض بیشتر نظری بوده و طبیب با استدلال و تفکر بیشتر محتاج بوده است ثالثاً شرط پزشک خوبی بودن - انسان خوبی بودن است و گرنه :

تیغ دادن در کف زندگی مست به که نادان را فند علمی بدست  
 بایه حکمت و فلسفه - خصوص فلسفه اسلامی را اخلاق تشکیل داده است  
 و یک پزشک حتماً بایستی نکات اخلاقی - اجتماعی - روانشناسی را دانسته و بآنها  
 ایمان داشته و عامل باشد -

در این مورد بتدنامه هائی در طب قدیم بوده است و بطور خلاصه دانائی و  
 دانشهای زیر را نیز برای طبیب لازم می دانسته اند :

۱ - علم دین ۲ - علم اخلاق ۳ - حکمت یا فلسفه ۴ - علم طبیعی ۵ - علم  
 هندسه ۶ - علم هیئت ۷ - احکام نجوم ۸ - علم حساب ۹ - علم فراست یا قیافه شناسی  
 باضافه مطالب جالب دیگر که به علت ضیق صفحات و فرصت و ترس انحراف  
 از بحث اصلی تنها اکتفا می کنم باینکه آنقدر طب در قدیم ارزش داشته که مقام پزشکی  
 را تالی مقام پیامبری میدانسته اند و حتی در اسلام هم بعد از علم دین یا میتوان گفت  
 بعد از سوسیولوژی و فلسفه بلافاصله مقام پزشکی و پزشکی در تجلی است .

### بنای طب قدیم

بایه های ساختمان طب قدیم که طی قرون متمادی بر اساس آن ها بحیات علمی  
 خود ادامه میداده و هزاران انسان محتاج را جواب داده و از مرك رهائی بخشیده  
 بر دو بایه و دو بخش بزرگ تقسیم می شد ، که در بخش اول مباحث علمی یا نظری  
 و بایه ثانی آن مبحث عملی آن بوده است .

**الف علمی** - مطالبی است از ساختمان بدن و اموری که برای طبیعت  
 دانستن آنها لازم بوده است و بسه اوع طبیعی - غیر طبیعی - خارج از طبیعت تقسیم  
 شده است .

۱ - **طبیعی** : شامل ارکان - مزاج - اخلاط - اعضاء - ارواح - قوا  
 افعال آنها - تشریح وظائف الاعضاء میباشد .

در این مورد با توجه مختصر بخدم دستوری کامل بوسائل لازم از طرفی و  
 سخت گیریهای بی جا و بی اساس متعصبین از طرف دیگر خصوص در  
 تشریح انسانی - وقتی شما در شرحی که بعداً ذکر خواهیم کرد به نکات علمی دقیقی  
 در بحث آناتومی - از عمل رگها - اعصاب - استخوانها - شکل و شماره آنها برخورد  
 می کنید خود بخود باعجاب نبوغ آنها تسلیم خواهید شد .

۲ - **امور غیر طبیعی** : که برای بقای زندگی انسان لازم است و  
 عبارتند از :

۱ - هوا ۲ - حرکت و سکون ۳ - طعام و شرب ۴ - خواب و بیداری ۵ -

استفراغ و احتیاس ۶ - اقراس نفایه

که تعادل در این قوا شرط سلامتی بوده است

۳ - امور خارج از طبیعت : امراض و علل و اسباب موجود و اغراض

تا به که تقریباً می توان گفت پاتالوژی امروز میباشد .

ب - عملی : در این مورد دو مرحله قابل بوده اند

۱ - پیش گیری ۲ - تداوی - اهمیت مسرعله اول زیاد تر بوده و مفهوم پیش گیری همان حفظالصحه و وقت در سلامتی بوده است و آنقدر مهم بوده که اصولاً طبیب را حافظالصحه می خواندند و خانواده هائی بودند که باغلبای مخصوص خود حقوق ماهانه می برداخته اند ولی وقتی مریض می شده اند در تمام طول مرض حقوق آنها را قطع میکردند .

۳ - تداوی : بدو بخش دارویی - یدی تقسیم شده است که هر یک از

اطباء در این مورد برای خود روش خاصی داشته و قابل بوده است

و تداوی یدی همان اعمال دارو سازی امروز میباشد - در مورد تداوی دارویی فارماکولوژی بایستی گفت قدما بقدری پیش رفت نموده اند که حتی با امروز قابل ملاحظه و رقابت است و هم اکنون بیشتر مجامع علمی نظر آنها را تأیید و قاطع دانسته اند .

علت این تکامل عجیب که طبیب را بصورت یک ساحر و عمل او را مجزه نشان داده اولاً تکیه طبیب بر تجارب متمادی و فراوان عملی خود ثانیاً هر طبیعت واقعی یکی از وظائف خود را توسعه طب اضافه نمودن مقدار زیادی تجربیات شخصی می دانسته و در این مورد که ترطیبی است که کتابهای متعدد از خود باقی نگذاشته باشد و در شرح زندگی این سینا همانطور که رفت ضمیمه ای بر کتاب قانون می نویسد که مجموعه از افسر و اسیون های شخصی بوده که متأسفانه مفقود گردیده است .

نکته جالب تر اینکه طبیب قدیمی خود را هیچگاه مقلد ندانسته بلکه با توجه بکلیات موجود خود در معالجه روشهای ابتکاری خاصی بکار میبرد است که بطور عموم معالجه آنها بر اساس زیر بوده :

۱ - ابتدا تشخیص قطعی و بعد شروع بمعالجه ۲ - در صورت تشخیص انواع مرضها ابتدا معالجه مرض اصلی ۳ - وقت در عدم امکان ایجاد امراض دیگر در نوع معالجه ۴ - اثر ذاتی دارو را بایستی توجه داشت نه اثر عرضی و ظاهری آنها نظیر معالجه ارزان درد با افیون - ۵ - درمان با رژیم غذا هائی حد امکان در صورت لزوم استفاده از دارو ، ابتدا از دارو های

## گنج شایگان ————— بوعلی سینا

اصلی و ساده و در صورت لزوم از دارو های مرکب و صور جالینوسی آن استفاده نماید . علاوه بر تمام اینها لازم و مهم بوده که مریض از نظر ریسیکولوژی بیشتر مورد مطالعه قرار گیرد .

دادن دارو های خطرناک و کشته کننده مثلا برای سقط جنین مطلقاً حرام و ممنوع بوده است .

این برد بطور خلاصه شرحی مختصر از طب قدیم .

واما در بحث اصلی ما که نشان دادن گوشه - تا حد امکان برای ما - از قدرت

پزشکی ابن سیناست بایستی جمله معروف را که می گوید :

**طب معدوم بود و جالینوس موجودش ساخت و پراکنده بود**

**ورازی فراهمش آورد و ناقص بود و پورسینا تکمیلش کرد** «

قبول نمایم .

با این تفاوت که علاوه بر تکمیل ، قاطعیت نظریات او بیشتر بوده و می بایست .

و معلومات پزشکی او از بقراط پدر علم طب و از جالینوس هم عیق تر و

وسیع تر و همه جانبه بوده در تمام مباحث پزشکی - جراحی - بهداشت - تشخیص

درمان - فارماکولوژی - آناتومی - بوتانیك - بیسیکوانالیز - دندان پزشکی

متبحر بوده .

و برخلاف نظر بعضی اومقلد نبوده بلکه مبتکر و مبتدع بوده است مثلاً درباره

سل جالینوس آنرا قابل علاج نمیداند زیرا سل مربوط بریه و ریه متحرك است و

جسم متحرك بهبود حاصل نمی کند مگر بسکون لیکن شیخ آنرا چاره پذیر دانسته و

گفته جالینوس را نقل کرده و **بیهقی** در تاریخ خود بنا بقول صاحب «روضات»

گفته است که شیخ بسیاری از بیماران مسلول خود را که در هوای مختلف و مکا های

دور بوده اند با عمل **قند و شیر** ممالجه کرده است و ابو عبید جوزجانی می نویسد که

یکی از بیماران او بنا بدستور او صد من گل قند بتدریج خورده و شفا یافت .

بطور کلی ابن سینا علم طب را نگاهداری سلامت و صحت نه در درمان

بیماریها - دانسته و در رساله **جوزیه** می نویسد :

آفات سلامتی ۴ چیز است .

۱ - خوردن بسیار ۲ - گفتن بسیار ۳ - خفتن بسیار ۴ - دوستی بسیار که

هر يك را تشریح و عواقب آنها را بیان میکند .

مهمترین اثر پزشکی ابن سینا که معرك شناسایی و احترام وسیع و طولانی

غرب نسبت با او میگردد کتاب **قانون** است که اصل آن در ۱۵۹۳ برسی چاپ شده

است و در قرن ۱۲ میلادی بلاتین ترجمه و ترجمه آن بزبانهای مختلفه اروپایی پیش